

زمان پیشنهادی: ۱۲ دقیقه

## روش‌های خواندن شعر

### ۱- تلفظ و معنای «درد» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) ما دل به غم تو بسته داریم ای دوست / درد تو به جان خسته داریم ای دوست
- ۲) رو درد طلب که علتت بی‌دردی ست / دردی ست که هیچ‌گونه درمانش نیست
- ۳) دوش از سر درد نیستی در مستی / گفتم فلکا نیست شدم گر هستی
- ۴) با همه بی‌خبری دردکشان می‌عشق / راز گردون ز خط دور قدح می‌خوانند

### ۲- در کدام گزینه باید پیش از واژه‌ی «دوست» کسره بیاید؟

- ۱) جنگ جویان به زور پنجه و کتف / دشمنان را کشند و خوبان دوست
- ۲) بی جرم دوست پای ز ما درکشید باز / تا خود چه گفت دشمن ما در قفای ما
- ۳) زخم دندان دشمنی بتر است / که نماید به چشم مردم دوست
- ۴) زین پس من و دل‌شکستگی بر در دوست / چون دوست دل شکسته می‌دارد دوست

### ۳- در کدام بیت، فعل دوم شخص مفرد دیده می‌شود؟

- ۱) وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها / بی‌خویشتنم کردی بوی گل و ریحان‌ها
- ۲) سیمین‌بدها شمع شبستان که بودی / من سوختم آرایش ایوان که بودی
- ۳) چه بودی ار دل آن ماه مهربان بودی / که حال ما نه چنین بودی ار چنان بودی
- ۴) در طبع جهان اگر وفايي بودی / نوبت به تو خود نیامدی از دگران

### ۴- در کدام گزینه «را» به جای کسره آمده است؟

- ۱) اگر غم را چو آتش دود بودی / جهان تاریک بودی جاودانه
- ۲) گرچه آن لعل لب‌ت عیسی رنجوران است / دل رنجور مرا چاره‌ی بهبود نکرد
- ۳) مرا به هیچ بدادی و من هنوز بر آنم / که از وجود تو مویی به عالمی نفروشم
- ۴) هله ای عشق که من چاکر و شاگرد توام / که بسی خوب و لطیف است تو را صورت و خو

### ۵- در کدام گزینه «واو همراهی» دیده می‌شود؟

- ۱) سر فتنه دارد دگر روزگار / من و مستی و فتنه‌ی چشم یار
- ۲) گو جان و سر برو، غرض ما رضای توست / حاشا که ما زیان تو خواهیم و سود خویش
- ۳) به چه دیر ماندی ای صبح که جان من برآمد / بزه کردی و نکردند مؤذنان ثوابی
- ۴) این چشم و دهان و گردن و گوش / چشمت مرساد و دست و بازو

### ۶- در بیت «به دل در صبر کشتم تا به من بر / چو بر ایوب بر بارید باران» کدام واژه متمم نیست؟

- ۱) دل      ۲) صبر      ۳) من      ۴) ایوب

### ۷- در کدام بیت، قسمت مشخص شده باید به شکل یک واژه و سرهم خوانده شود؟

- ۱) رخت بر بست ز دل شادی و هنگام وداع / با غمت گفت که یا جای تو یا جای من است!
- ۲) به یمن معدلت پادشاه بنده نواز / بهشت روی زمین است خطه‌ی شیراز (معدلت: عدالت)
- ۳) به روی یار نظر کن ز دیده منت دار / که کار دیده نظر از سر بصارت کرد
- ۴) چو عاشق می‌شدم گفتم که بردم گوهر مقصود / ندانستم که این دریا چه موج خون‌فشان دارد

### ۸- معنای «گشتن» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) گشتیم سال‌ها به بیابان و کوه و دشت / چیزی نیافتیم که باشد به از گذشت
- ۲) سال‌ها ما به امید نظری سرگردان / بر سر کوی تو گشتیم و به پایان رفتیم
- ۳) در عشق تو ای نگار پر کینه و جنگ / گشتیم همه جای جهان با دل تنگ
- ۴) باد خاکم به هوا برد و پریشانم کرد / عطر طرف چمن و گرد بیابان گشتم (طَرَف: کنار، ساحل، گوشه)

### ۹- در همه‌ی بیت‌های زیر به جز ... جمله‌ای که در مصراع نخست آغاز می‌شود در مصراع دوم ادامه می‌یابد.

- ۱) حسن تو نادر است در این عهد و شعر من / من چشم بر تو و همگان گوش بر من اند
- ۲) شهر خالی‌ست ز عشاق بود کز طرفی / مردی از خویش برون آید و کاری بکند
- ۳) یاری ز صبر خواه که یاری نیست / بهتر ز صبر مر تن تنها را
- ۴) ای جان جهان مکن به جای من / آن بد که نکرده‌ام به جای تو

### ۱۰- در همه‌ایات به استثنای بیت ..... جهش یا جابه‌جایی ضمیر، به شیوه‌ی بلاغی مشاهده می‌شود. (سراسری، هنر ۱۹)

- ۱) یکم روز بر بنده‌ای دل بسوخت / که می‌گفت و فرماندهش می‌فروخت
- ۲) دلم از پرده بشد حافظ خوش گوی کجاست / تا به قول و غزلش ساز نوایی بکنیم
- ۳) گمان مبر که بداریم دستت از فتراک / بدین قدر که تو از ما عنان بگردانی
- ۴) عنان مپیچ که گر می‌زنی به شمشیرم / سپر کنم سر و دستت ندارم از فتراک

### ۱۱- مفهوم واژه‌ی «به‌جای» در بیت ..... متفاوت با سایر ابیات است. (سراسری، هنر ۱۹)

- ۱) آن را که به جای توست هر دم کرمی / عذرش بنه ار کند به عمری ستمی
- ۲) اگر بر جای من گیری گزیند دوست حاکم اوست / حرامم باد اگر من جان به جای دوست بگزینم
- ۳) پدر به جای پسر هرگز این کرم نکند / که دست جود تو با خاندان آدم کرد
- ۴) هرچ از وفا به جای من آن بی‌وفا کند / آن را وفا شمارم اگرچه جفا کند

### ۱۲- معنای «شد» در همه‌ی ابیات به جز بیت ..... یکسان است. (تعاونی سنبلش، ۱۹-۸۸)

- ۱) بشد تیز رهام با خود و گبر / همی گرد رزم اندر آمد به ابر
- ۲) بدو گفت بشتاب و برکش سپاه / نگه کن که لشکر کجا شد ز راه
- ۳) چو رهام گشت از کشانی ستوه / بیچید زو روی و شد سوی کوه
- ۴) به گرز گران دست برد اشکبوس / زمین آهنین شد سپهر آبنوس

## پاسخ کلیدی

۴ (۴)	۲ (۳)	۴ (۲)	۴ (۱)
۴ (۸)	۳ (۷)	۲ (۶)	۱ (۵)
۴ (۱۲)	۲ (۱۱)	۲ (۱۰)	۱ (۹)

## پاسخ آموزشی - تحلیلی

۱- گزینه‌ی ۴ «درد» در سه گزینه‌ی دیگر باید «درد» خوانده شود تا بیت‌ها معنی‌دار باشند، اما همان‌طور که حتماً در کتاب تناسب مفهومی مطالعه کرده‌اید، «درد کنشان» (کسانی که ته‌مانده‌ی تلخ جام شراب را می‌نوشند) اصطلاح رایجی است و کنایه‌ای است از عاشقان واقعی که تحمل سختی‌های عشق را دارند.

۲- گزینه‌ی ۴ زین پس من و دل شکستگی بر در دوست / چون دوست، دل شکسته می‌دارد دوست  
توضیح: این بیت تلمیح دارد به این گفته‌ی پیامبر اسلام که «خدا در دل‌های شکسته جای دارد». بیت‌های اول و سوم در متن کتاب تناسب مفهومی بررسی شده‌اند، و اما بیت دوم:  
اگر مصراع اول را به این گونه بخوانیم: «بی جرم دوست پای زما در کشید باز» جمله بدون نهاد می‌ماند؛ چه کسی پای در کشید؟ پس باید آن را به این شکل بخوانیم تا دوست (معشوق) نهاد جمله باشد: «بی جرم، دوست، پای زما در کشید باز»  
حالت مرتب‌شده‌ی مصراع: دوست، بی جرم (بدون آن که از ما گناهی سرزده باشد) از ما پای در کشید (کناره گرفت و دوری کرد).

۳- گزینه‌ی ۲ «سیمین بدن» در این بیت یک واژه است که به پایان آن «ا» ندا پیوسته:  
«سیمین بدنا = ای سیمین بدن: ای یار نقره‌پیکر»؛ بنابراین فعل‌های «بودی» در این بیت واقعاً به دوم شخص (مخاطب شاعر که همان «سیمین بدن» باشد) برمی‌گردند.  
در سه گزینه‌ی دیگر «ی» در پایان فعل‌های گذشته (ماضی) نشانه‌ی استمرار است نه نشانه‌ی دوم شخص مفرد: بی‌خویشتم کردی = بی‌خویشتم می‌کرد // چه بودی = چه می‌بود (چه می‌شد) // نه چنین بودی = چنین نمی‌بود // چنان بودی = چنان می‌بود. به بیت چهارم در کتاب تناسب مفهومی اشاره شده‌است.

۴- گزینه‌ی ۴ تو را صورت و خو = صورت و خوی تو < «را» جانشین کسره (فک اضافه) است.  
در گزینه‌های اول و دوم «را» به معنی «برای» آمده‌است، پس «حرف اضافه» است و در گزینه‌ی سوم «را» نشانه‌ی مفعول است.  
۵- گزینه‌ی ۱ در این جا «و» به معنای «به همراه» آمده‌است و شاعر تأکید دارد که من به همراه مستی و به همراه فتنه‌ی حاصل از چشم یار خواهم بود (از عشق و مستی جدا نخواهم شد).

هرجاکه بتوان به جای «و» «به همراه» جاگذاری کرد، لزوماً با او همراهی (معیت) روبه‌رو نیستیم، بلکه شاعر باید تأکید داشته‌باشد که آن‌چه بین آن‌ها «و» آمده‌است حتماً کنار هم (یا بر روی هم یا مقابل هم و ...) هستند.

برای مثال در جمله‌ی «گو جان و سر برو»، «و» از نوع همراهی نیست زیرا شاعر می‌گوید که «اگر سر و جانم را از دست بدهم اهمیتی ندارد» و در این جا تأکید ندارد که «اگر سرم را حتماً به همراه جانم (!) از دست بدهم»؛ پس در این جا «سر و جان» لزوماً به معنی «سر به همراه جان نیست» بلکه یعنی «چه سر، چه جان یا هردوشان»؛ بنابراین با همان «و» رایج یعنی «واو هم‌پایه‌ساز» روبه‌رو هستیم که «سر» و «جان» را درون جمله هم‌پایه کرده‌است.

در گزینه‌ی سوم «و» دو جمله را هم‌پایه کرده‌است و روشن است که نمی‌تواند «واو» همراهی باشد. در گزینه‌ی چهارم نیز با «واو هم‌پایه‌ساز درون جمله» روبه‌رو هستیم نه «واو همراهی» زیرا منظور شاعر این نیست که «لزوماً به چشمت به همراه دهانت و به همراه گردنت و به همراه گوشت و به همراه دستت و به همراه بازویت، چشم بد نرسد!» بلکه می‌خواهد بگوید هر یک از آن‌ها نه لزوماً همه‌ی آن‌ها با هم.

**۶- گزینه‌ی ۲** در مصراع نخست، «در» حرف اضافه‌ی «دل» است که پس از آن آمده‌است؛ درواقع در این بیت سه متمم داریم که هر یک دو حرف اضافه گرفته‌اند: به دل در، صبر کِشتم (کاشتم) تا به من بر / چو بر ایوب بر، بارید باران


**۷- گزینه‌ی ۳** کار دیده = فردِ کار کشته و باتجربه

به روی یار نظر کن، ز دیده منت‌دار (سپاس‌گزار باش) / که کار دیده نظر از سر (از روی) بصارت (بصیرت) کرد رخت بر بست ز دل، شادی و هنگام وداع / با غمت گفت که یا جای تو یا جای من است  
**معنای بیت:** از دل من شادی رخت بر بست و هنگام خداحافظی با غم عشق تو که در دلم جا گرفته بود، گفت: این دل یا می‌تواند جای غم عشق باشد یا شادی (با وجود غم عشق، جایی برای شادی در دل عاشق باقی نمی‌ماند!) چون عاشق می‌شدم گفتم که بر دم گوهر مقصود / ندانستم که این دریا، چه موج خون‌فشان دارد (دریا: استعاره از عشق)

**۸- گزینه‌ی ۴** روشن است که «گشتن» در گزینه‌های اول و سوم به معنای «جست‌وجو کردن» آمده‌است. در گزینه‌ی دوم «گشتیم» را، هم می‌توان «جست‌وجو کردیم» معنا کرد و هم «چرخیدیم». در گزینه‌ی چهارم «گشتیم» برابر است با «شدیم»؛ خُب حالا بین گزینه‌های دوم و چهارم کدام را باید انتخاب کرد؟ بله گزینه‌ی چهارم را که کاملاً کاربرد «گشتن» در آن متفاوت است. **توضیح:** از نگاه من هم این تست کاملاً استاندارد و حساب شده نیست، اما با کمی دقت و حوصله می‌توان به نظر طراح این تست نسجیده (یعنی من!) پی برد و از آن‌جا که نظیر چنین تست‌هایی در آزمون سراسری، کم مطرح نمی‌شود! خواستم از همین ابتدای کار شیوه‌ی پاسخ‌گویی به این تست‌ها را نیز با شما در میان بگذارم.

**۹- گزینه‌ی ۱** در بیت نخست فقط بخشی از جمله‌ی پایانی مصراع اول حذف شده‌است، اما این جمله به مصراع دوم کشیده نشده‌است؛ حُسنِ تو نادر است در این عهد و شاعر من [نیز نادر است.] / من چشم بر تو [دارم] و همگان گوش بر من‌اند. (در گزینه‌ی چهارم «به‌جای» چه معنایی می‌دهد؟)

**۱۰- گزینه‌ی ۱** «م» و «ش» در بیت اول جابه‌جایی دارند یا نه؟ بله، جابه‌جایی دارند: یک روز بر بنده‌ای دلم بسوخت که درحالی که فرمانده می‌فروختش، می‌گفت که ... . جابه‌جایی ضمیر «ت» در گزینه‌های سوم و چهارم برای شما که فصل اول را خوانده‌اید، روشن و بی‌نیاز از توضیح است.

هرگاه اجزای سخن از ترتیب عادی خود خارج شوند، می‌گوییم که «شیوه‌ی بلاغی» به کار گرفته شده است؛ بنابراین جابه‌جایی ضمیر پیوسته نمونه‌ای است از به‌کار گرفتن شیوه‌ی بلاغی. 

**۱۱- گزینه‌ی ۲** «به‌جای» در این بیت در همان معنا به کار رفته‌است که امروزه به کار می‌رود، اما در سه گزینه‌ی دیگر برابر با «در حق» است.

**۱۲- گزینه‌ی ۴** «شد» در این بیت فعل گذرا به مسند (برابر با «گشت») است که امروزه نیز معمولاً همین کاربرد را دارد، اما در سه گزینه‌ی دیگر به معنی «رفت» آمده است (و امروزه دیگر «شد» در چنین معنایی به کار نمی‌رود).